

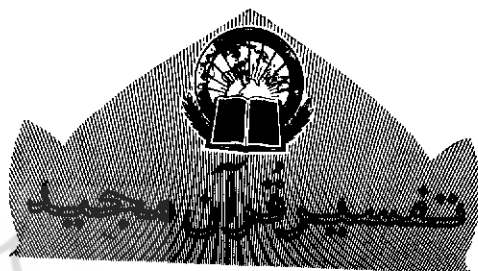
روزی خدا مشرکان را با آنچه که غیر از خدا می پرستیدند محشور می نماید و همه را در یک جا جمع می کند و (بهمعبودهای باطل آنان می گوید) شما بندگان مرا گمراه نمودید یا اینکه آنان خود راه را گم کرده اند؟.

۱۸ - قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا .

: آنها می گویند : منزهی تو، هرگز برای ما سزاوار نبود که غیر از تو، برای خود دوستی انتخاب کنیم، ولی تو آنها و پدرانشان را آنچنان با نعمتهای فراوان بهره مند ساختی، که تو را فراموش کردند، و سرانجام هلاک شدند.

۱۹ - فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمِ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا .

: (در این موقع خدا به افراد مشرک خطاب می کند و می گوید) : این معبودها ، شمارا در آنچه که می گوئید تکذیب کردند ، هرگز توانائی آن را ندارید که عذاب (الهی) را از خود بر طرف سازید ، و یا خود را یاری نمائید و هر کس از شما ستم کند (و غیر خدا را پرستد) او را عذاب شدیدی می چشانیم .



سوره فرقان

آیه های ۱۷-۲۰

چرا زندگی پیامبران

این قدر ساده است ؟

۱۷ - وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ .

۲۰ - وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ
 إِلَّا أَنَّهُمْ لِيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ
 وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا .

: پیش از تو پیامبرانی را نفرستادیم. جز اینکه آنان (بسان دیگران) غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند و شمارا مایه امتحان و آزمایش یکدیگر قرار دادیم (و پیامبران . مایه امتحان هستند) آیا در این راه استقامت و بردباری بخرج می دهید؟ و پروردگار تو (به وضع) بندگان خود بینا است.

گاهی دیده می شود که برخی از افراد مجرم و گنهگار ، برای تبرئه خویش ، کوشش می کنند که گناه خود را به گردن این و آن بیاندازند و دیگران را مسبب حقیقی و عامل انحراف و گناه معرفی نمایند؛ و برخی در این کار به اندازه ای افراط می ورزند که برای تبرئه خویش از یک گناه کوچک و یا ترک اولی ، دیگری را عامل و گنهگار معرفی می کنند ، و سرانجام در توجیه یک گناه کوچک ، گناه بزرگی (تهمت) را مرتکب می گردند.

علت این ردیله اخلاقی همان «خویششن خواهی» و بی اعتنائی به شخصیت و پاکی دیگران است و قرآن مجید در این زمینه نمونه هایی را نقل می کند :

شکی نیست که مسیحیان جهان ، حضرت مسیح را به عنوان معبود و یکی از خدایان سه گانه می - پرستند، در صورتی که حضرت مسیح نسبت به ساحت اقدس الهی ، مخلوقی بیش نیست؛ و نام چنین کاری را جز ظلم و ستم نمی توان، چیزی نهاد.

هنگامی که پرده ها بالا می رود؛ و ملت مسیح به

اشتباه خود واقف و آشنای شوند؛ کوشش می کنند که گناه خود را به گردن مسیح معصوم بيفکنند و بگویند که وی به آنان دستور داده است که او و مادرش مریم را به عنوان معبود پرستند ا در صورتی که روح مسیح و مادر پاک وی؛ از چنین کار؛ بی خبر و بیزار بوده و هرگز جز پرستش خداوند یگانه؛ به چیزی فرمان نداده اند .

قرآن مجید ، با بلاغت و شیرینی خاصی این صحنه را تشریح می کند و می فرماید : «هنگامی که مسیحیان؛ حضرت مسیح را عامل اصلی بشر پرستی خود معرفی می کنند خداوند بسرای رسوا ساختن گروه افترا ساز؛ به حضرت مسیح خطاب می کند که (عانت قلت للناس اتخذوني و امي اليهين) (مائده آیه ۱۱۶) «آیا توبه مردم گفته ای که تو و مادرت را پرستند»؟!

در این موقع حضرت مسیح حقیقت را بازگو کرده و می گوید : «مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ» (مائده ۱۱۷) من به آنان جز آنچه را که مأمور به تبلیغ آن بودم؛ نگفتم؛ من به آنان چنین گفته ام که: خدای یگانه را که خدای من و خدای شما است پرستید . مشابه این جریان در آیات مورد بحث نیز وجود دارد در صحنه ای که معبودهای باطل و بت پرستان در دروی یکدیگر قرار گرفته اند و مخلوق پرستان می - خواهند عامل انحراف از توحید را معبودهای خود معرفی کنند خداوند به معبودهای این افراد می - فرماید : «عانتنم اضلتم عبادی ام هم ضلوا السبيل» (آیا شما آنها بگمراهی کشیدید یا خود آنان گمراه

هیچ کس؛ حتی خود آنها و آن فرشتگان مقدس و معبودهای انسانی مانند مسیح نمی‌توانند درباره آنها کاری انجام دهند چنانکه می‌فرماید:

«فما تستطيعون صرفا ولا نصرا»

نه خود شما (و نه دیگران) می‌توانید عذاب الهی را دفع کنید و یا تخفیفی در آن پدید آورید زیرا این عذاب دزدانک؛ محصول عمل خود انسان است که از او جدا نخواهد بود چنانکه می‌فرماید:

«ومن يظلم نذقه عذابا كبيرا»

هر کسی از شما ستم کند او را عذاب شدیدی بچشانیم پیامبران مایه آزمایش بشرها هستند باری دیگر قرآن برمی‌گردد؛ به فلسفه سنت الهی درباره پیامبران می‌گوید: سنت خداوند در تمام دورانها، این بود که پیامبران خود را از میان بشرها انتخاب کنند؛ و آنان نیز بسان پیامبر اسلام غذا می‌خوردند و با مردم معاشرت داشتند، اکنون چطور شد که مشرکان به دیگر پیامبران که در این خصیصه با پیامبر اسلام شریک و یکسانند، اعتراض نکرده و لبه اعتراض خود را به پیامبر اسلام متوجه نموده‌اند. برای این که فلسفه سنت الهی در تمام دورانها روشن گردد؛ قرآن یادآوری می‌کند که علت اینکه پیوسته خداوند پیامبران خود را از جنس بشر، انتخاب می‌کرد؛ این بود که از این طریق بندگان خدا مورد آزمایش قرار گیرند؛ و پیامبران مایه آزمایش انسانها می‌باشند، زیرا هرگاه پیامبران الهی؛ از جنس غیر بشر بودند چهره آسمانی و قیافه صدر صد صد معنوی آنان؛ سبب می‌شد که انسان‌ها بدون اختیار؛ بدون تفکر در محتویات دعوت؛ به آنان بگروند و برای شناسائی حق از باطل، از نیروی تفکر

شدند) در این موقع همه آنها در حالی که سخن خود را به تزیه و پیراستگی حق آغاز می‌کنند می‌گویند: «سبحانک ماکان یغی لنا ان نتخذ من دونک اولیاء» «هرگز برای ما شایسته نیست که جز تو برای خویش ولیی اخذ کنیم» در این صورت چگونه می‌توانیم به دیگران بگوئیم که غیر تو را پرستند. و باز همان معبودها؛ انگشت روی علت واقعی انحراف آنان از جاده توحید می‌گذارند می‌گویند: «ولکن متعتهم و آباعهم حتی نسوا الذکر» «آنها و پدران آنها را آن چنان با نعمت‌های فراوان بهره‌مند ساختی که تو را فراموش کردند»

یعنی به جای اینکه نعمت‌های بی‌پایان خداوند؛ مایه یاد خدا و سبب توجه آنها گردد؛ سبب شد که از خدا غافل گردند و خدای خویش را نشانند؛ و معبودهای مجازی را به جای معبود واقعی پرستند. این جمله به آن معنی نیست که ثروت و لذت‌های مادی مایه بدبختی و هلاکت است زیرا ثروت و درآمدهای زندگی بسان شمیردولبه است یا مانند سکه دورویه می‌باشد و هرگز برپیشانی آن؛ یکی از دو نتیجه (خوشبختی و بدبختی) نوشته نشده است این؛ ما هستیم که با کمال حریت و آزادی از این نعمت برای خود سرانجامی نیک و بد بسازیم؛ و اگر این نعمت‌ها را در غیر مورد مشروع به کار ببریم نتیجه‌ای جز هلاک و نابودی خود، نخواهیم داشت چنانکه می‌فرماید:

«وکانوا قوما بورا»

«این گروه سرانجام؛ هلاک و نابود شدند» از آنجا که «خود کرده را تدبیر نیست» و انسان نمی‌تواند محصول کار خود را از خویش دور کند.

می سازد؛ و زیبایی آن بر خردها غالب می گردد؛ می آفرید گردنهادد برابر آدم خاضع و فروتن؛ و امتحان و آزمایش در باره او بر فرشتگان آسان می شد؛ (ویدرننگ شیطان بر او سجده می کرد زیرا او را مافوق خود تصور می نمود)

اگر خداوند متعال برای پیامبر خود گنجهای زرو کانهای طلا و باغهایی که همه گونه درخت در آن موجود هست قرار می داد و مرغان آسمان و جانوران زمین را با آنها همراه می ساخت ، در این صورت امتحان و آزمایش از میان می رفت و (مردم بی اختیار در سایه زور و زان آنان پیروی می کردند و فرمانبر؛ و پیرو واقعی از گنهکار حقیقی شناخته نمی شد)

خداوند بندگان خود را با سنگهایی که (خانه کعبه که از سنگ بنا شده است) نه زبان دارند و نه سودی می بخشند و نه می بینند و نه می شنوند؛ امتحان و آزمایش نموده است آن را درد شوارترین جاهای زمین ؛ و در میان دره های تنک و کوههای ناهموار و ریگهای نرم و چشمه های کم آب و دره های از هم دور؛ قراردادده است تا فرزندان آدم به آن خانه متوجه شوند ؛ و دور آن طواف کنند و در اطراف آن خانه؛ خدا را به یگانگی پرستند و اگر خداوند عبادتگاه بزرگ خود را؛ میان باغها؛ و جویها ؛ و زمین هموار با درختهای بسیار؛ و شاخسارهای مملو از میوه قرار می داد . و زمین های آن را پرازیگیا می کرد و در این صورت برای امتحان و آزمایش بندگان؛ مجالی باقی نمی ماند ولی خداوند بندهای خود را به سختی های گوناگون می آزماید؛ و با کوششهای مختلف از آنان بندگی می خواهد و آنان را به انواع اموری که موافق طبع آنها نیست می آزماید. (۱)

کمک نگیرند و چنین ایمان و گرایش فهری که انسان آن را با حریت و آزادی به دست نیآورد ، بلکه عوامل فهری آن را در دل انسان پدید آورند چندان ارزش نخواهد داشت

ولی هرگاه پیامبران الهی از جنس بشر باشند و عوامل گرایش به آنها منحصر به تفکر و تدبیر در مفاهیم و برنامه های آنان گردد در این صورت چنین ایمانی ارزش خواهد داشت .

خلاصه هر آن ایمان ارزش دارد و مایه تکامل انسان به شمار می رود که از حریت و آزادی انسان سرچشمه بگیرد و مطالعه و بررسی محتویات دعوت ، مایه گرایش انسان گردد ، اما ایمانی که محصول عوامل فهری و جذبه های خارج از اختیار باشد؛ مایه تکامل نبوده و ارزشی نخواهد داشت و این هدف در صورتی انجام می گیرد که پیامبران از جنس خود بشر باشند نه فرشته چنانکه می فرماید : و جعلنا بعضکم لبعض فتنة؛ این ؛ تنها موردی نیست؛ که خداوند به وسیله آن بندگان خود را می آزماید بلکه وسیله آزمایش او زیاد و فراوان است .

* * *

امیر مؤمنان پیرامون «آدم» که خدا از او را گل آفرید نه از «نور» ؛ و همچنین پیرامون «پیامبران» که آنان را از میان طبقات عادی اجتماع انتخاب نمود و با زور و زهر همراه ساخت ؛ و در باره خانه خود که آنرا در میان دره های تنگ و منطقه سنگلاخ قرارداد نه در سرزمین های هموار و مناطق معتدل ؛ سخنان شیوائی دارد که به ترجمه قسمتی از آن می پردازیم: هرگاه خدا آدم را از نوری که دیده ها را خیره